

ایران برای عدالت و آزادی مبارزه می‌کردند اما معنای آزادی و عدالت از نظر آنها با درک آنها از مفاهیم عدالت و برابری نه بورژوازی بود و نه اشکال و الاثر آن، بلکه آنها برای عدالتی جنگیدند که می‌خواستند از شر بی‌قانونی سازمان یافته و رسمی خلاص شوند. (۱)

دستاوردهای عملی (تحقق پذیر)

انتظارات ذهنی



همیشگی ما باشد. در این باره امام خمینی (ره) می‌گویند: از همه کسانی که این ملت با زحمت خودش آن‌ها را به مقامی رسانده است می‌خواهم که تمام توان خودشان را برای خدمت به این مستضعفین و خدمت به این بی‌غولہ نشین‌های بیچاره و خدمت به این زاغه نشینان صرف کنند. به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی (ص) است. اسلامی که پرچمداران آن همیشه از مال و قدرت بی‌بهره بوده‌اند و دشمنان حقیقی آن، زران و زان حیلہ‌گر و قدرت مداران بازیگر و مقدس نمایان بی‌هنراند. (۳)

بدون شک یکی از شاخص‌های عمده، مهم و انکارناپذیر خط و راه امام که در کلام و عمل ایشان بارز و محسوس بوده، ویژگی دفاع از مستضعفان و بسط عدالت اجتماعی است که همواره در هر فرصتی بر آن تاکید نموده و بدان اهتمام داشته‌اند و از این رو اصولاً تلقی امام خمینی را از تشکیل حکومت اسلامی باید برپایه قسط و عدل و حمایت از محرومین و اقشار ضعیف به تبع اعتقادات اسلامی دانست. ایشان در همین باره اشاره می‌کنند: پیغمبر اسلام تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه‌ی بسط عدالت اجتماعی. خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابی‌طالب (ع) نیز با همان انگیزه به طرز وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است. (۴)

بطور کلی عدالت مفهومی است غیر از مفهوم تساوی و به تعبیر بهتر می‌توان گفت: هر صاحب حقی را به حق خود رساندن. کلمه‌ی عدالت در موارد زیادی به کار می‌رود و در هر مورد معنای بخصوصی می‌یابد و در عین حال از یک معنا و حقیقت واحد سرچشمه می‌گیرد. عدالت اجتماعی مفهومی است که هر ملتی و جمعیتی از دریچه‌ی افکار آن را تفسیر و بر کارها و اعمال خود تطبیق می‌دهد؛ ولی اگر بخواهیم حقیقت آن را بیابیم باید در اجتماعی که تمام افراد و اعضای آن به حقوق واقعی خود رسیده‌اند آن را جستجو کنیم.

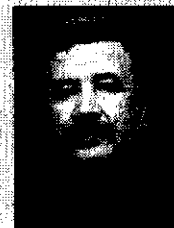
عدالت اجتماعی را می‌توان به عنوان بزرگ‌ترین هدف حکومت اسلامی تلقی کرد چنانکه بعثت پیامبران و تشریح ادیان به منظور تحقق قسط و عدل به مفهوم وسیع کلمه در نظام حیات انسان بوده است و اساساً هیچ مکتب و ملتی نمی‌تواند عدالت اجتماعی را نادیده بگیرد به گونه‌ای که عدالت اجتماعی مستقیماً به سز نوشت ملت‌ها و دولت‌ها بپیوندد خورده است تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کشور یا کفر می‌ماند اما با ظلم ماندنی نیست.

البته بحث عدالت اجتماعی بحثی پر دامنه است و در واقع ابعاد و جوانب

در عین حال شکافی که بین دست‌آوردهای عملی و انتظارات ذهنی ایجاد شد ایرانیان را دچار یاس و سرخوردگی کرد. اوضاع اقتصادی به علل داخلی و خارجی بدتر شد و دسته‌بندی‌ها و فساد میان‌نخچگان 'oil' سیاسی بیشتر شد و... در طی تاریخ نابرابری‌ها و چپاول‌گری‌های عدالتی را پررنگ‌تر از همیشه می‌ساخت از جمله وابسته شدن میزان تقاضاهای داخلی، بالا رفتن سطح مخارج دولتی به قیمت و حجم نفت صادراتی، افزایش و کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی دولت که تنها عامل دریافت توزیع درآمد بوده و هست، ایجاد بخش اقتصادی مستقلی که با سایر بخش‌های اقتصاد سیاسی بیگانه و میزان اشتغال آن بسیار پایین و درآمد کارکنان آن بسیار بالا و نامتناسب است، پیدایش منبھی نامشهود برای گسترش و واردات مصرف برای طبقات مرفه شهری و ایجاد شکاف بین کار انجام شده از یک طرف و درآمد افراد از طرف دیگر و در نتیجه افزایش انتظارات طبقات مرفه و نوپای شهری. (۲)

مطالب ذکر شده در صورتی عبرت‌آموز است که بدانیم عدالت و ثبات اجتماعی و اقتصادی و پیشرفت مسالمت‌آمیز در ایران تنها در صورتی ممکن است که سرسخت‌ترین دشمن آن یعنی استبداد ایرانی و پایه‌عبارتی بی‌عدالتی خودمآنی برای همیشه ریشه کن شود و هرگز فرصت داده نشود تا زیر پوشش اصلاح‌طلبی، سنت پرستی، یا هر چیز دیگری پنهان شود.

از سوی دیگر یکی از اهداف والای اسلام تأمین عدالت اجتماعی است. چنین هدفی هرگز نباید در انقلاب اسلامی مافروض شود، خدمت به محرومان و مبارزه با قشر‌های زران‌دوز و زورگویی که جز به منافع خویش نمی‌اندیشند باید راه و رسم



فریدون خالداو - تهران

چندین میلیارد تومان و آن که این قدر حرف ندارد

فریدون خالداو: چه دادگاه‌هایی داریم، مورا از ماست بیرون می‌کشند، یکی از روزنامه‌ها نوشته بود سردی از شدت تشنگی به ساختمان‌ها وارد می‌شود و لنگه کفش‌های جلوی آپارتمان‌ها را در داخل یک گونی می‌گذارد. اهالی ساختمان، متوجه می‌شوند، پلیس ۱۱۰ را خبر می‌کنند و مرد را می‌گیرند، در دادگاه علت را از او جویا می‌شوند، می‌گویند: چون شب عید بود از روی بچه‌هایم شرمند بودم لذا دست به این کار زدم.

دادگاه چون مرد بیچاره، سابقه‌ای هم نداشته او را به جزای نقدی محکوم می‌کند. ولی اگر او پول داشت، که دست به بردی نمی‌زد اما چهار جزای نقدی به سه ماه توان تبدیل می‌شود و مرد به زندان می‌رود. آدم به زن و زن به زن می‌افتد که به خاطر یک قرص دوزن سال‌ها به زندان افتاده‌اند. از طرف دیگر، تقویم اعلام کرد که باز به نفر از منتهای پرونده الکاسب تبرئه شده‌اند و پرونده‌ها باز هم هنوز مطرح است. می‌بینید، پرونده‌ای را که آن همه جنجال روی آن برپا شد و روزنامه‌ها چندین بار آن را نقل کرده‌اند. بالاخره دادگاه محترم متوجه شد که هیچ کدام گناهی نکرده‌اند که حتی مستوجب مجازات هم نباشند. پرونده به آن قطوری اصلاحی خود درست

گوناگونی را در بر می گیرد. زمانی بحث عدالت اجتماعی را در جنبه های حقوقی می توان جستجو کرد که بیشترین تجلی آن در عدالت قضایی دیده می شود و اینکه همه شهروندان بتوانند از حقوقی یکسان در این زمینه برخوردار باشند. بیشترین نقش را در این رابطه قوه قضاییه بر عهده دارد. گاهی بحث عدالت اجتماعی را در زمینه های سیاسی و فرهنگی مورد توجه قرار می دهیم که این موضوع به شرایطی مربوط است که ما می خواهیم برای شهروندان امکانات آموزشی، بهداشتی و اطلاع رسانی را در حد تساوی به وجود آوریم و بدین ترتیب بستر جامعه را برای مشارکت فعال شهروندان در تعیین سرنوشت خودشان فراهم سازیم. وجه دیگر هم وجه اقتصادی این موضوع است که باید در سیاست گذاری ها به آن توجه شود به گونه ای که توزیع عادلانه در آمد و رفاه اقتصادی را برای عموم مردم به همراه داشته باشد.

یکی از محورهای اصلی تبیین قانون اساسی عدالت اجتماعی یا به عبارتی روح حاکم بر تدوین قانون اساسی، تحقق عدالت اجتماعی است به گونه ای که جامعه بتواند این آرمان را به شکل متوازن تحقق ببخشد.

برای این که مفهوم و ارزش عدالت اجتماعی را دریابیم باید بدانیم که عدالت در فرهنگ شیعه یکی از شرایط و لوازم قطعی و انکارناپذیر برای امام و امت اسلامی شناخته می شود لذا اصولاً امکان این که جامعه ای مسیری غیر از عدالت را پیماید و در همان حال خود را جامعه اسلامی بخواند وجود ندارد.

در عین حال، از عمده ترین خطراتی که مانع تحقق عدالت اجتماعی می شود و یا اجرای آن را به تأخیر می اندازد، خودخواهی ها و خودپسندی هاست.

چه بسا مقام معظم رهبری در جمع کارگزاران نظام فرمودند: «عمده خطر هوس پرستی است، تعجب نکند از همه خطرهای بالاتر همان هوای نفسی است که در دل ماست، از همه دشمن ها دشمن تر، همان نفس، همان من و همان خودی است که در وجود توست، آن منیتی که همه چیز را برای خود می خواهد.»

حال سوال اساسی این است که آیا عدالت اجتماعی در جامعه ما محقق شده است؟ پاسخ این خواهد بود که عدالت سالیان سال است که در جامعه ما مرده است یا اگر کسانی هنوز به این معتقدند که عدالت هست بدانند که این واژه غریب نفس های آزرش را می کشد. ذکر این مطلب ضروری است که بدانیم همیشه واقعیت است که می تواند بهترین آموزگار ما باشد. مشکل اول ما انکار است، انکار یاور نداریم که عدالت در حال مرگ است و قلب تپنده آن به کندی می زند. برای این که ما و شما بیشتر بدانیم بهتر است که کمی از حال و روز جامعه مان باخبر شویم.

کشور ما در دنیا دارای غنی ترین منابع و معادن است، کشوری است که از نظر آب و هوایی در هر گوشه ای از آن می توان نوعی گیاه خاص پرورش داد. ایران کشوری با بافت جمعیتی جوان است که برخی کشورهای اروپایی نظیر آلمان و ایتالیا آرزوی داشتن چنین جمعیت جوانی را دارند. در مقابل، ما تنها کشور در دنیا هستیم که بیشترین آمار معتادان به مواد مخدر را به خود اختصاص داده است، کشوری که ۲۵ درصد مردم آن زیر خط فقر زندگی می کنند.

کشوری که آمار رسمی بیکاران آن ۲/۵ میلیون نفر است و با هزاران هزار مشکل و نابسامانی دیگر دست و پنجه نرم می کند. اکنون شما قضاوت کنید آیا این تحقق عدالت در کشوری اسلامی است؟ کاش

یادمان می آید که قبل از انقلاب طوری از عدالت اجتماعی و تحقق آن برای مردم حرف می زدیم که دهان مردم آب می افتاد، آیا این است پیامد حکومت دینی و مردم سالاری؟ و آیا این است بزرگترین دستاورد انقلاب و توسعه در کشور؟؟

تحقق عدالت اجتماعی زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد که در آن عمیق ترین و اساسی ترین نیازهای بشری برآورده شود. که این امر در نظام حکومتی دموکراسی که آخرین شکل حکومت در جوامع بشری است امکان پذیر است و بس.

بی تردید عدالت اجتماعی زمانی حاصل می شود که افراد، متکی به رفتار و تصمیم خود باشند نه تصمیماتی که در درون اتاق های بسته سیاسی برای آن ها گرفته می شود. چون هیچ مرجعی بالاتر از مردم نمی تواند حافظ منافع خویش باشد.

آنچه امروز جامعه ما سخت بدان نیازمند است حذف جاه طلبی ها در ازای اعطای فرصت برای رشد منافع گوناگون و از بین بردن عوامل بازدارنده تمایلات صلح طلبانه و تقویت و تحکیم ساختار مردم سالار است و این امر محقق نخواهد شد مگر با پذیرش اصل تقسیم کار اجتماعی بر پایه اصول دموکراتیک.

دورکیم جامعه شناس فرانسوی در کتاب تقسیم کار، وابستگی های نژادی و خونی را به کناری می نهد و معتقد است که تقسیم وظایف باید بر اساس توانایی های فردی تقویض شود. در این صورت خود به خود جامعه به سمت تحول و تکامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روی خواهد نمود. اما در جامعه ما هنوز در بسیاری از سازمان های افراد شایسته

شده است.

بله، اینکه می گویند بعضی ها گاهی از سوراخ سوزن رد می شوند و گاهی از در و دروازه، تو نمی روند همین است، دادگاهی به خاطر چند سطر نوشته، نویسنده اش را به زندان انفرادی می اندازد و بعد وثیقه ای چند میلیون صادر می کند. همین دادگاه، در مورد پرونده ای میلیاردی، بعد از آن همه سر و صدا، رای به برائت همه متهمان، صادر می کند. بله، همین طور بی حساب و کتاب، آنجا که نیست، آنجا که بشود، تیر نه می کند و آنجا که نشود محکوم می کند. حالا بگذار عده ای مغرض و معلوم الحال بگویند، اعمال نفوذ بوده است و چه وجه دادگاه کارش را می کند.

این پرونده به خاطر بیماری رییس دادگاه، مدت های تعویق افتاده بود، ولی بالاخره خوشبختانه ریاست دادگاه سلامت حاصل نمودند و این رای تاریخی را صادر کردند. حالا یک نکته باقی می ماند، آیا متهمان توریه شده این پرونده حق ندارند شکایت کنند که اصلاً به چه علتی آنها را دستگیر کرده اند و آبروی شان را برده اند و روزنامه ها چه حق داشته اند که آن قدر آقازاده، آقازاده کنند.

در روزگاری که اگر بیضی ۵۰ هزار تومان وام ناقابل از بانک بگیری آن قدر سند و مدرک از تو می خواهند که اشکت را در می آورند، بانک خواسته است چندین میلیارد وام در اختیار مشتری خود قرار دهد، لابد آنها را می شناخته و اطمینان داشته، بعد هم دیدیم که پول ها به سلامت به بانک عودت داده شده است، دادگاه هم این را تأیید می کند، خوب این دیگر این همه جار و جنجال نمی خواهد.

عزیزان من، همه چیز، حساب و کتاب دارد، همین ملواری که نیست، این را چند مرتبه باید بگوئیم؟